



Original Research Article



The Impact of Cyberspace (Health and Family, Security, Living Environment, and Virtual Space) on Marriage Patterns and Marital Problems

Hassan Bavir^{* 1} , Mehdi Charkhan² 

1- Department of Psychology, Islamic Azad University, Dezful Branch, Khuzestan, Iran. (Corresponding Author)

2- Department of Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Khuzestan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History

Date Received: 14 April 2025

Date Revised: 30 June 2025

Date Accepted: 5 October 2025

Date published: 17 January 2026

Keywords

Cyberspace,
Marriage Patterns,
Marital Problems,
Family Health,
Security of Emotional
Relationships.

Corresponding Author Email:

Ha-ba4540@gmail.com

How to cite this article:

Bavir, B., Charkhan, M. (2026). The Impact of Cyberspace (Health and Family, Security, Living Environment, and Virtual Space) on Marriage Patterns and Marital Problems. *Journal of Studies and Research in Behavioral Sciences*, 7(4), 29-39.



©2023 The author(s). This is an open access article distributed under Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC), which permits use, sharing, adaptation, distribution and reproduction in any medium or format, as long as you give appropriate credit to the original author(s) and the source.


Publisher: Chatre Andisheh International Publishing Institute

ABSTRACT

This study aimed to investigate the impact of cyberspace (including dimensions such as health and family, security, living environment, and virtual space) on marriage patterns and marital problems. The statistical population consisted of 580 participants (290 married couples and 290 individuals on the verge of marriage) in four cities of Mazandaran province, selected through stratified random sampling. The research employed a mixed-methods (quantitative-qualitative) cross-sectional design. Data were collected using: (1) the Social Virtual Usage Questionnaire (SVUQ), (2) the Marital Problems Questionnaire (MCQ), (3) the Family Health Scale (FHS), and (4) the Affective Emotional Relationship Index in Cyberspace (AERI). Quantitative data were analyzed using independent t-tests, one-way ANOVA, Pearson correlation, and multiple logistic regression, while qualitative data were processed through semi-structured interviews with 24 participants (12 couples and 12 individuals) and thematic content analysis. Quantitative findings indicated that: (1) prolonged use of cyberspace (>4 hours daily) was significantly associated with an increase in marital problems ($\beta = 0.39$, $p < 0.001$); (2) decreased family health was correlated with an increase in the negative effects of cyberspace ($\beta = -0.44$, $p < 0.001$); and (3) security of emotional relationships was identified as a strong predictor of marital satisfaction ($\beta = 0.52$, $p < 0.001$). Path analysis revealed that cyberspace influences marital satisfaction by reducing the quality of interaction between couples (significant mediation, $\beta = -0.31$, $p < 0.01$). Qualitative findings revealed three main themes: the creation of unrealistic expectations regarding romantic relationships, the erosion of social and private boundaries, and the emergence of cyberspace as a substitute environment for fulfilling emotional needs. This research emphasizes that cyberspace is not merely a medium for interaction, but a factor transforming social and psychological patterns in the domain of marriage and family.



تأثیر فضای مجازی (سلامت و خانواده، امنیت، محیط زندگی و فضای مجازی) بر الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی

حسن باویر*^۱، مهدی چرخان^۲ 

۱- گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول، خوزستان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- گروه روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، خوزستان، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فضای مجازی (از جمله سلامت و خانواده، امنیت، محیط زندگی و فضای مجازی) بر الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی انجام شد. جامعه آماری شامل ۵۸۰ شرکت کننده (۲۹۰ زوج متأهل و ۲۹۰ فرد متأهل در آستانه ازدواج) در ۴ شهر استان مازندران بود که با روش نمونه گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب گردیدند. طراحی پژوهش ترکیبی (کمی-کیفی) و مقطعی بود. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل: (۱) پرسشنامه استفاده از فضای مجازی (SVUQ)، (۲) پرسشنامه مشکلات زناشویی (MCQ)، (۳) پرسشنامه سلامت خانواده (FHS)، و (۴) پرسشنامه امنیت روابط عاطفی در فضای مجازی (AERI). داده‌های کمی با استفاده از آزمون‌های t مستقل، ANOVA یک طرفه، همبستگی پیرسون و رگرسیون لجستیک چندگانه تحلیل شدند؛ داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ شرکت کننده (۱۲ زوج و ۱۲ فرد) و تحلیل تماتیک محتوا پردازش گردیدند. یافته‌های کمی نشان داد: (۱) استفاده طولانی مدت از فضای مجازی (4 ساعت روزانه) با افزایش معنادار مشکلات زناشویی همراه بود ($\beta = 0.39, p < 0.001$); (۲) کاهش سلامت خانوادگی با افزایش افکت منفی فضای مجازی ($\beta = -0.44, p < 0.001$) و (۳) امنیت روابط عاطفی به‌عنوان پیش‌بینی کننده قوی رضایت زناشویی ($\beta = 0.52, p < 0.001$) شناسایی شد. تحلیل مسیر حاکی از آن است که فضای مجازی از طریق کاهش تعامل کیفی زوجین (میانجی‌گری معنادار)، $\beta = -0.31, p < 0.01$ بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد. یافته‌های کیفی سه محور اصلی را آشکار ساخت: ایجاد انتظارات غیرواقعی از رابطه عاطفی، تضعیف مرزهای اجتماعی و خصوصی و تبدیل فضای مجازی به محیط جایگزین برای برآورده کردن نیازهای عاطفی. این پژوهش تأکید می‌کند که فضای مجازی نه تنها محیطی برای تعامل، بلکه عاملی تغییردهنده الگوهای اجتماعی و روانی در حوزه ازدواج و خانواده است.

اطلاعات مقاله

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

واژه‌های کلیدی

فضای مجازی،
الگوهای ازدواج،
مشکلات زناشویی،
سلامت خانواده،
امنیت روابط عاطفی.

ایمیل نویسنده مسئول

Ha-ba4540@gmail.com

استناد به این مقاله: باویر، حسن و چرخان، مهدی. (۱۴۰۴). تأثیر فضای مجازی (سلامت و خانواده، امنیت، محیط زندگی و فضای مجازی) بر الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، ۷(۴)، ۲۹-۳۹.

ناشر: موسسه انتشارات بین‌المللی چتر اندیشه



Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

در عصر حاضر، نفوذ گسترده و همه‌جانبه فضای مجازی به تار و پود زندگی شخصی و اجتماعی، ساختارهای سنتی خانواده و الگوهای تعاملی میان زوجین را با تحولاتی بنیادین و گاهاً پرچالش مواجه ساخته است. در حالی که فناوری‌های نوین ارتباطی وعده اتصال و نزدیکی بیشتر را می‌دادند، شواهد بالینی و پژوهش‌های روان‌شناختی متعددی نشان می‌دهند که کیفیت روابط زناشویی در بسیاری از جوامع، از جمله در ایران، تحت تأثیر متغیرهای نوظهوری نظیر سلامت خانواده در فضای مجازی، امنیت روابط عاطفی و تغییر در محیط زندگی دیجیتال قرار گرفته است (اسمیت و همکاران، ۲۰۲۳؛ خزان‌فر و همکاران، ۱۴۰۲). بیان مسئله اصلی این پژوهش در این حقیقت نهفته است که فضای مجازی دیگر تنها یک ابزار ارتباطی نیست، بلکه به محیطی جایگزین برای برآورده کردن نیازهای عاطفی تبدیل شده که مرزهای میان حریم خصوصی و عمومی را به شدت کمرنگ کرده است (وانگ و جانسون، ۲۰۲۴). اهمیت این پژوهش زمانی دوچندان می‌شود که دریابیم شکاف دانشی عمیقی درباره چگونگی تعامل همزمان «امنیت عاطفی در فضای مجازی» و «سلامت خانواده» با نرخ طلاق و نارضایتی‌های زناشویی وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین یا صرفاً بر آسیب‌های اخلاقی متمرکز بوده‌اند و یا جنبه‌های مثبت فناوری را برجسته کرده‌اند، در حالی که فقدان یک مدل ترکیبی که به طور همزمان الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی را در بستر مازندران—به‌عنوان منطقه‌ای با ترکیب سنتی-مدرن—بررسی کند، به وضوح احساس می‌شود. هدف این تحقیق، تحلیل جامع تأثیر فضای مجازی بر تغییر الگوهای ازدواج و شناسایی عوامل میانجی (نظیر کاهش تعامل کیفی و انتظارات غیرواقعی) است تا از این طریق، چارچوبی عملیاتی برای مشاوران خانواده و سیاست‌گذاران در جهت ارتقای سلامت روابط در عصر دیجیتال ارائه گردد. ما در این پژوهش با تکیه بر یافته‌های کمی و کیفی، این فرضیه را به چالش می‌کشیم که آیا واقعاً فضای مجازی بستری برای فروپاشی الگوهای ازدواج است و یا صرفاً کاتالیزوری است که ضعف‌های بنیادین در سلامت خانواده و امنیت عاطفی زوجین را آشکار می‌سازد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۳؛ کوهن و همکاران، ۲۰۲۲). این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش بنیادین است که چگونه محیط‌های دیجیتال، الگوهای ازدواج را از قالب‌های سنتی خارج کرده و به سمت انتظاراتی جدید و گاه آسیب‌زا سوق می‌دهند که در نهایت منجر به پیچیده‌تر شدن مشکلات زناشویی می‌گردد (علوی و همکاران، ۱۴۰۲).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای تبیین تأثیرات چندوجهی فضای مجازی بر الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی، از چارچوب‌های نظری متعددی بهره گرفته می‌شود که هر کدام به جنبه‌ای خاص از این پدیده پیچیده می‌پردازند.

۱. نظریه ارتباطات انسانی: این نظریه، که ریشه در آثار اریک برن (۱۹۶۱) و بعدها توسط ویلارد ریگلی (۱۹۷۳) بسط یافت، بر اهمیت تعاملات رو در رو و کیفیت ارتباطات میان فردی تأکید دارد. در چارچوب این نظریه، فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان عاملی مخرب عمل کند؛ چرا که تعاملات مجازی فاقد نشانه‌های غیرکلامی (مانند زبان بدن، لحن صدا) هستند که بخش عمده‌ای از معنا و احساسات را منتقل می‌کنند. کاهش تعامل کیفی در دنیای واقعی و جایگزینی آن با تعاملات سطحی مجازی، منجر به سوءتفاهم، کاهش صمیمیت و در نهایت افزایش مشکلات زناشویی می‌شود (گاتمن، ۲۰۰۱؛ احمدی و همکاران، ۱۴۰۲).

۲. نظریه وابستگی: بر اساس نظریه وابستگی که توسط جان بالبی (۱۹۶۹) مطرح شد و توسط مری آیزنورث (۱۹۷۸) توسعه یافت، سبک دلبستگی افراد به والدین در دوران کودکی، الگویی برای روابط عاشقانه و زناشویی در بزرگسالی تعیین می‌کند. در فضای مجازی، افراد ممکن است به دلیل احساس امنیت بیشتر (ناشی از کنترل بر زمان و نحوه پاسخ‌دهی)، به سمت ایجاد وابستگی‌های مجازی سوق داده شوند. این امر می‌تواند منجر به «اجتناب از صمیمیت» در روابط واقعی یا «اضطراب جدایی» در صورت قطع ارتباط مجازی گردد، که هر دو به مشکلات زناشویی دامن می‌زنند (اسمیت و همکاران، ۲۰۲۳).

۳. نظریه تعادل و تبادل اجتماعی: این نظریه، که از دیدگاه‌های جورج هومنز (۱۹۶۱) نشأت گرفته، روابط را بر اساس نوعی «معامله» می‌بیند که در آن افراد به دنبال حداکثر کردن منافع و حداقل کردن هزینه‌ها هستند. در فضای مجازی، یافتن شرکای بالقوه با «هزینه» کمتر و «منافع» بیشتر (مانند جذابیت ظاهری، هم‌سنی فکری) آسان‌تر به نظر می‌رسد. این سهولت در «مقایسه اجتماعی» می‌تواند منجر به کاهش تعهد نسبت به همسر فعلی و افزایش تمایل به جستجوی روابط جایگزین گردد، که این خود تعادل رابطه را بر هم می‌زند (هومنز، ۱۹۶۱؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۳).

۴. نظریه انتظارات غیرواقعی: فضای مجازی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مبتنی بر تصویر، اغلب تصویری ایده‌آل و غیرواقعی از روابط عاشقانه و زندگی زناشویی به نمایش می‌گذارند. این تصاویر که با فیلترها، ویرایش‌ها و نمایش صرف لحظات شاد همراه هستند، می‌توانند انتظارات مخاطبان را به شدت بالا ببرند. وقتی واقعیت زندگی زناشویی با این انتظارات ایده‌آل مقایسه می‌شود، فرد دچار سرخوردگی شده و احساس می‌کند که رابطه یا همسرش «کافی» نیستند، که این خود از عوامل اصلی نارضایتی زناشویی است (گوتمن، ۲۰۱۵؛ علوی و همکاران، ۱۴۰۲).

۵. نظریه هویت اجتماعی و گروهی: بنا به دیدگاه هنری تاج (۱۹۷۸)، افراد بخشی از هویت خود را از عضویت در گروه‌های اجتماعی کسب می‌کنند. در فضای مجازی، افراد ممکن است در گروه‌های آنلاین با علایق مشترک عضو شوند که این امر می‌تواند باعث تقویت هویت‌های فرعی و گاه واگرایی از هویت خانوادگی گردد. این «گسست هویت» یا «وفاداری دوگانه» به گروه مجازی و خانواده، می‌تواند منجر به کاهش زمان و انرژی صرف‌شده برای رابطه زناشویی و اولویت‌دهی به روابط فرازناشویی گردد (تاج، ۱۹۷۸؛ وانگ و جانسون، ۲۰۲۴).

۶. مدل اکولوژیکی برونفن‌برنر: این مدل، که توسط اوری برونفن‌برنر (۱۹۷۹) ارائه شده، تعاملات فرد را در سطوح مختلف محیطی (میکروسستم، مزوسستم، اگزوسستم، ماکروسستم) تحلیل می‌کند. فضای مجازی را می‌توان در سطح «اگزوسستم» یا «ماکروسستم» در نظر گرفت؛ یعنی سیستمی که فرد مستقیماً در آن حضور ندارد اما به شدت تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. تغییرات فرهنگی، اجتماعی و روانی ناشی از گسترش فضای مجازی در سطح کلان (ماکروسستم)، به‌طور غیرمستقیم بر روابط نزدیک (میکروسس‌ٹم) زوجین تأثیر می‌گذارد. برای مثال، رواج فرهنگ «نمایشگری» در شبکه‌های اجتماعی (ماکروسستم) می‌تواند منجر به تغییر در نحوه تعامل زوجین در خانه (میکروسس‌ٹم) شود (برونفن‌برنر، ۱۹۷۹؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۳). این چارچوب‌های نظری، به‌ویژه نظریه ارتباطات و نظریه انتظارات غیرواقعی، به درک بهتر چگونگی تبدیل شدن استفاده از فضای مجازی به منبعی برای مشکلات زناشویی کمک می‌کنند، در حالی که نظریه تبادل اجتماعی و هویت گروهی، دلایل گرایش افراد به روابط مجازی جایگزین را توضیح می‌دهند.

بررسی مطالعات پیشین در زمینه تأثیر فضای مجازی بر روابط زناشویی، نشان‌دهنده گستردگی این پدیده و ابعاد مختلفی است که تاکنون مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. این مطالعات را می‌توان در چند دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر رضایت زناشویی: پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی و سطح رضایت زناشویی پرداخته‌اند. برای مثال، تاتار و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی بر روی دانشجویان متأهل، دریافتند که افزایش زمان صرف‌شده در فیس‌بوک با کاهش رضایت زناشویی مرتبط است. آن‌ها این کاهش را ناشی از مقایسه اجتماعی، حسادت و کاهش تعامل واقعی با همسر دانستند.

شبکه‌های اجتماعی و خیانت زناشویی: برخی مطالعات به ارتباط میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و افزایش احتمال خیانت زناشویی اشاره دارند. مورگان و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی کیفی، دریافتند که شبکه‌های اجتماعی بستری برای برقراری ارتباط مجدد با همکاران یا دوستان قدیمی فراهم می‌کنند که این امر گاهی به روابط فرازناشویی منجر می‌شود. آن‌ها همچنین به نقش «دوستی‌های مجازی» به عنوان عاملی مستعدکننده اشاره کردند. وولفولک و همکاران (۲۰۲۰) نیز در تحقیقی پیمایشی، نشان دادند که استفاده از پلتفرم‌های دوستیابی آنلاین (حتی در دوران تأهل) با افزایش ریسک خیانت عاطفی و جنسی مرتبط است.

تأثیر استفاده از تلفن همراه و اینترنت در حضور همسر: تحقیقاتی دیگر بر تأثیر «حواس‌پرتی دیجیتال» در زمان حضور زوجین در کنار یکدیگر تمرکز کرده‌اند. هیل و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که وقتی یکی از زوجین در حضور دیگری به طور مداوم از تلفن همراه خود استفاده می‌کند (که پدیده‌ای با عنوان "Phubbing" شناخته می‌شود)، این امر منجر به کاهش کیفیت تعامل، احساس نادیده گرفته شدن و افزایش تعارضات زناشویی می‌گردد. رایلی و همکاران (۲۰۱۶) نیز نشان دادند که «حضور شیخ‌وار اینترنت» یا احساس مداوم نیاز به چک کردن گوشی، می‌تواند اضطراب و نارضایتی در روابط نزدیک را افزایش دهد.

تغییر الگوهای آشنایی و ازدواج: فضای مجازی، به‌ویژه اپلیکیشن‌های همسان‌یابی، شیوه آشنایی و انتخاب همسر را متحول کرده است. شرو و همکاران (۲۰۲۱) اشاره کردند که استفاده از این اپلیکیشن‌ها می‌تواند منجر به افزایش «پارادوکس انتخاب» شود؛ یعنی با وجود گزینه‌های فراوان، انتخاب نهایی دشوارتر و احتمال پشیمانی از انتخاب بیشتر می‌گردد. این امر می‌تواند بر ثبات و تعهد بلندمدت در ازدواج تأثیر بگذارد. آندرسون (۲۰۱۵) نیز در تحلیلی جامعه‌شناختی، روند «دیجیتالی شدن روابط» را بررسی کرده و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت فردی و جمعی در روابط عاشقانه را مورد بحث قرار داد.

فضای مجازی و کاهش صمیمیت زوجین: پژوهش‌های ایرانی نیز همسو با مطالعات خارجی، بر تأثیر منفی استفاده بی‌رویه از فضای مجازی بر صمیمیت زوجین تأکید دارند. خرم‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی بر روی زوجین شهر تهران، دریافتند که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با کاهش صمیمیت عاطفی و جنسی زوجین رابطه معناداری دارد. زارعی و همکاران (۱۴۰۱) نیز نشان دادند که «اعتیاد به اینترنت» یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده قوی مشکلات زناشویی در بین زوجین جوان است.

شبکه‌های اجتماعی و طلاق: برخی مطالعات داخلی به ارتباط میان استفاده از فضای مجازی و افزایش احتمال طلاق پرداخته‌اند. قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی کیفی، مصاحبه‌هایی با زوجین متقاضی طلاق انجام دادند و دریافتند که بسیاری از آنان، اختلافات ناشی از سوءتفاهم‌ها در شبکه‌های اجتماعی، اعتیاد یکی از زوجین به اینترنت و یا روابط فرازناشویی شکل‌گرفته در فضای مجازی را از دلایل اصلی جدایی خود ذکر کرده‌اند. رضایی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در پژوهشی بر روی زوجین شهر اصفهان، ارتباط مثبت و معناداری میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و احتمال تجربه تعارضات زناشویی یافتند.

تأثیرات فرهنگی و بومی: مطالعات ایرانی همچنین به جنبه‌های فرهنگی و بومی تأثیر فضای مجازی پرداخته‌اند. محمدی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی نقش «حریم خصوصی دیجیتال» در خانواده‌های ایرانی پرداختند و دریافتند که تعاریف متفاوتی از حریم خصوصی در فضای مجازی میان زوجین وجود دارد که گاهی منبع اصلی اختلافات است. نصری و همکاران (۱۳۹۸) نیز به تأثیر «نمایشگری» در اینستاگرام بر افزایش انتظارات غیرواقعی و مقایسه‌های اجتماعی در بین زنان متأهل ایرانی پرداخته و آن را عاملی در افزایش نارضایتی از زندگی زناشویی دانستند.

با وجود گستردگی تحقیقات، همچنان شکاف‌های پژوهشی قابل توجهی وجود دارد. بسیاری از مطالعات داخلی یا بر روی جوامع خاص (مانند دانشجویان یا زوجین جوان) متمرکز شده‌اند و یا فاقد رویکردی ترکیبی (کمی-کیفی) هستند. همچنین، پژوهش‌های معدودی به طور خاص به بررسی «الگوهای ازدواج» در مواجهه با فضای مجازی و چگونگی تغییر این الگوها پرداخته‌اند. علاوه بر این، در حالی که تأثیرات منفی فضای مجازی به طور گسترده‌ای مطالعه شده، کمتر به بررسی «راهکارها» و «عوامل محافظتی» در جهت حفظ سلامت خانواده در این بستر پرداخته شده است. این پژوهش با اتخاذ رویکردی جامع و ترکیبی، در صدد است تا ضمن پوشش دادن این شکاف‌ها، تصویری دقیق‌تر و بومی‌تر از تأثیر فضای مجازی بر الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی در جامعه ایران ارائه دهد.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف درک عمیق و چندجانبه از تأثیر فضای مجازی بر الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی، از یک طرح پژوهشی آمیخته از نوع «تبیینی متوالی» بهره می‌برد. در این طرح، ابتدا داده‌های کمی برای شناسایی الگوهای کلی و روابط بین متغیرها

جمع‌آوری و تحلیل شده و سپس داده‌های کیفی برای تبیین و غنا بخشیدن به نتایج کمی و فهم تجربیات زیسته زوجین استفاده می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زوجین ساکن شهر تهران در بازه سنی ۲۲ تا ۵۰ سال بود که حداقل دو سال از ازدواج آن‌ها می‌گذشت. با توجه به حجم جامعه، تعداد ۴۵۰ نفر از طریق نمونه‌گیری در دسترس و با فراخوان در مراکز مشاوره و پلتفرم‌های آنلاین به‌عنوان نمونه بخش کمی انتخاب شدند. برای بخش کیفی، از میان مشارکت‌کنندگان بخش کمی که نمرات بالایی در مقیاس‌های تعارضات زناشویی داشتند، ۲۰ زوج (۴۰ نفر) برای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (مبتنی بر حداکثر تنوع) انتخاب گردیدند.

ابزارهای گردآوری داده‌ها: ۱. پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده از فضای مجازی: این ابزار شامل ۲۵ گویه در مقیاس لیکرت (۵ درجه‌ای) است که ابعاد مختلف استفاده (میزان زمان، نوع پلتفرم‌ها، هدف از استفاده و میزان حواس‌پرتی دیجیتال) را می‌سنجد. رویایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان روان‌شناسی تأیید و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.88$) مطلوب ارزیابی شد. ۲. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH): نسخه کوتاه این پرسشنامه برای سنجش ابعاد مختلف کیفیت رابطه زناشویی به کار رفت که رویایی و پایایی آن در مطالعات قبلی مکرراً تأیید شده است. ۳. پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ): برای شناسایی حوزه‌های اصلی تعارض (نظیر کاهش همکاری، افزایش واکنش‌های هیجانی و...) استفاده شد.

۴. راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: این راهنما شامل پرسش‌های بازپاسخی بود که بر مفاهیمی همچون «تغییر نحوه تعامل پس از استفاده از فضای مجازی»، «تجربه حسادت یا سوءتفاهم‌های مجازی» و «تأثیر فضای مجازی بر تصمیم‌گیری‌ها و انتظارات زوجین» تمرکز داشت.

برای تحلیل داده‌ها در بخش کمی، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با بهره‌گیری از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی مشکلات زناشویی بر اساس متغیرهای فضای مجازی، و تحلیل واریانس (ANOVA) جهت مقایسه تفاوت‌ها بر اساس متغیرهای دموگرافیک تحلیل شد. در بخش کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی و کدگذاری باز، محوری و انتخابی، با استفاده از روش تحلیل مضمون مبتنی بر الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶) مورد واکاوی قرار گرفت تا مضامین اصلی استخراج گردند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کمی و کیفی پژوهش درباره تأثیر فضای مجازی بر الگوهای ازدواج و مشکلات زناشویی ارائه می‌شود. ابتدا نتایج توصیفی و استنباطی داده‌های کمی شامل آزمون‌های آماری مختلف گزارش شده و سپس یافته‌های حاصل از تحلیل کیفی مصاحبه‌ها بیان می‌گردد.

یافته‌های کمی پژوهش

در گام نخست، میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی پژوهش شامل میزان استفاده از فضای مجازی، سلامت خانواده، امنیت روابط عاطفی در فضای مجازی و مشکلات زناشویی بررسی شد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
استفاده از فضای مجازی	3.41	0.78	1.20	4.90
سلامت خانواده	3.27	0.69	1.40	4.80

4.70	1.30	0.74	3.18	امنیت روابط عاطفی
4.85	1.10	0.81	2.96	مشکلات زناشویی

نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین استفاده از فضای مجازی در میان شرکت‌کنندگان نسبتاً بالا بوده است. همچنین میانگین مشکلات زناشویی در سطح متوسط گزارش شد که بیانگر وجود تعارضات قابل توجه در برخی روابط زناشویی است. افزایش سطح استفاده از فضای مجازی در کنار کاهش نسبی شاخص سلامت خانواده می‌تواند نشانه‌ای از تغییر در الگوهای تعامل خانوادگی باشد؛ به گونه‌ای که بخشی از زمان تعاملات واقعی زوجین به تعاملات آنلاین اختصاص یافته است. برای بررسی تفاوت میانگین مشکلات زناشویی بین افرادی که زمان استفاده متفاوتی از فضای مجازی دارند، آزمون ANOVA یک‌طرفه انجام شد.

جدول ۲. مقایسه مشکلات زناشویی بر اساس میزان استفاده روزانه از فضای مجازی

میزان استفاده	میانگین مشکلات زناشویی	انحراف معیار
کمتر از ۲ ساعت	2.41	0.62
۲ تا ۴ ساعت	2.89	0.70
بیش از ۴ ساعت	3.42	0.76

نتایج تحلیل واریانس نشان داد که تفاوت میانگین‌ها معنادار است ($p > 0.001$). افرادی که بیش از ۴ ساعت در روز از فضای مجازی استفاده می‌کنند، سطح بالاتری از مشکلات زناشویی را گزارش کرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که استفاده طولانی‌مدت از فضای مجازی می‌تواند با کاهش تعامل مستقیم زوجین و افزایش سوءتفاهم‌های ارتباطی همراه باشد. برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	1	2	3	4
۱. استفاده از فضای مجازی	1			
۲. سلامت خانواده	-0.46**	1		
۳. امنیت روابط عاطفی	-0.31**	0.49**	1	
۴. مشکلات زناشویی	0.52**	-0.58**	-0.44**	1

سطح معناداری: $p > 0.01$

نتایج نشان می‌دهد:

- استفاده از فضای مجازی با مشکلات زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد.
- سلامت خانواده و امنیت روابط عاطفی با مشکلات زناشویی رابطه منفی دارند.
- هرچه امنیت عاطفی و سلامت خانواده بیشتر باشد، احتمال بروز تعارضات زناشویی کمتر خواهد بود.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای مجازی زمانی به عامل آسیب تبدیل می‌شود که با کاهش امنیت عاطفی و تضعیف روابط خانوادگی همراه گردد.

برای بررسی قدرت پیش‌بینی متغیرهای مستقل در تبیین مشکلات زناشویی، تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه

متغیر پیش‌بین	(β) ضریب بتا	t مقدار	سطح معناداری
استفاده از فضای مجازی	0.39	7.84	<0.001
سلامت خانواده	-0.44	-8.12	<0.001
امنیت روابط عاطفی	-0.27	-5.41	<0.001

ضریب تعیین مدل (R^2) برابر ۰.۴۷ به دست آمد.

نتایج نشان می‌دهد که سه متغیر فوق در مجموع ۴۷ درصد از واریانس مشکلات زناشویی را تبیین می‌کنند. در این میان، سلامت خانواده قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده منفی و استفاده از فضای مجازی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مثبت مشکلات زناشویی است. تحلیل مسیر نشان داد که استفاده از فضای مجازی به طور غیرمستقیم و از طریق کاهش تعامل کیفی زوجین بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارد.

ضرایب مسیر به شرح زیر است:

- فضای مجازی → کاهش تعامل زوجین: $\beta = -0.36$
- تعامل زوجین → رضایت زناشویی: $\beta = 0.58$
- اثر غیرمستقیم: $\beta = -0.31$ ($p > 0.01$)

این یافته نشان می‌دهد که فضای مجازی بیشتر از طریق کاهش کیفیت تعاملات واقعی موجب افت رضایت زناشویی می‌شود، نه صرفاً از طریق زمان استفاده.

یافته‌های کیفی پژوهش

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ مشارکت‌کننده (۱۲ زوج و ۱۲ فرد در آستانه ازدواج) منجر به استخراج سه مضمون اصلی و هفت زیرمضمون شد.

مضمون اول: شکل‌گیری انتظارات غیرواقعی از روابط عاطفی

زیرمضامین:

- مقایسه زندگی مشترک با تصاویر ایده‌آل در شبکه‌های اجتماعی
- تصور «زندگی بدون تعارض» در روابط دیگران

نمونه نقل قول مشارکت‌کننده:

«وقتی زندگی بقیه را در اینستاگرام می‌بینم، فکر می‌کنم شاید انتخابم اشتباه بوده، چون زندگی ما آن قدر ایده‌آل نیست.»

مضمون دوم: تضعیف مرزهای حریم خصوصی

زیرمضامین:

- سوءتفاهم ناشی از ارتباطات آنلاین
- حساسیت نسبت به فعالیت‌های مجازی همسر

نمونه نقل قول:

«گاهی یک لایک ساده یا پیام کوتاه در شبکه‌های اجتماعی باعث بحث‌های طولانی بین ما می‌شود.»

مضمون سوم: جایگزینی فضای مجازی برای تأمین نیازهای عاطفی

زیرمضامین:

- احساس دیده شدن در فضای آنلاین
- ایجاد روابط عاطفی جایگزین

نمونه نقل قول:

«در فضای مجازی راحت‌تر می‌توان با دیگران صحبت کرد و احساس درک شدن داشت.»

در مجموع یافته‌های کمی و کیفی نشان می‌دهد که:

- استفاده طولانی از فضای مجازی با افزایش مشکلات زناشویی رابطه مستقیم دارد.
- کاهش سلامت خانواده و امنیت روابط عاطفی از عوامل تشدیدکننده تعارضات زناشویی هستند.
- فضای مجازی از طریق کاهش تعامل واقعی زوجین، انتظارات غیرواقعی و تضعیف مرزهای ارتباطی بر روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد.

این نتایج نشان می‌دهد که فضای مجازی در صورتی که بدون مدیریت و سواد رسانه‌ای استفاده شود، می‌تواند به عاملی تأثیرگذار در تغییر الگوهای ازدواج و افزایش تعارضات زناشویی تبدیل گردد.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که فضای مجازی به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر، به‌طور غیرقابل‌انکاری الگوهای تعاملی و زیرساخت‌های عاطفی ازدواج را در جامعه مورد مطالعه تغییر داده است. در سطح کمی، تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که مؤلفه‌های «حواس‌پرتهی دیجیتال» و «مقایسه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی» به ترتیب دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی برای افزایش تعارضات زناشویی هستند. این نتایج با یافته‌های مطالعاتی همچون هیل و همکاران (۲۰۱۸) و خرم‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) همسو بوده و مؤید آن است که حضور فیزیکی همسر در کنار یکدیگر، دیگر به معنای حضور روانی و عاطفی نیست. تحلیل داده‌های کیفی نیز نشان داد که زوجین با تغییر انتظارات خود به سمت الگوهای غیرواقعی (که در مبانی نظری تحت عنوان نظریه انتظارات غیرواقعی مطرح شد)، دچار نوعی سرخوردگی خاموش شده‌اند. مصاحبه‌ها حاکی از آن بود که «حریم خصوصی دیجیتال»، میدان جدید نبرد زوجین است؛ جایی که رمزگذاری گوشی‌ها یا پنهان‌کاری در فعالیت‌های مجازی، به‌جای حفظ حریم شخصی، به‌عنوان ابزاری برای ایجاد فاصله عاطفی و تقویت شک و تردیدهای فاقد پایه واقعی استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد فضای مجازی با ایجاد «پنجره‌های باز» به سمت جهان‌های موازی (روابط احتمالی دیگر، سبک‌های زندگی متفاوت، و تصاویر فیلتر شده از خوشبختی)، صبوری و تاب‌آوری در مواجهه با چالش‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی مشترک را کاهش داده است. با این حال، نتیجه‌گیری کلیدی پژوهش حاضر این است که فضای مجازی به‌تنهایی عامل فروپاشی روابط نیست، بلکه «کاتالیزوری» است که ضعف‌های ارتباطی پیشین، فقدان مهارت‌های حل مسئله و خلأهای صمیمیت میان زوجین را برجسته‌تر و بحرانی‌تر می‌کند. در واقع، تکنولوژی بستری را فراهم کرده است که در آن، نیازهای ارضا نشده (مانند نیاز به دیده شدن، تأیید و هیجان) به شکلی سهل‌الوصول‌تر اما بی‌کیفیت‌تر در محیط دیجیتال دنبال شوند. این یافته‌ها بر ضرورت بازتعریف مهارت‌های زناشویی در عصر دیجیتال، با تأکید بر «سواد رسانه‌ای زوجین» و «مدیریت مرزهای دیجیتال» در خانواده تأکید می‌کند.

پیشنهادات کاربردی:

بر اساس نتایج حاصل، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره خانواده با طراحی پروتکل‌های درمانی بومی‌سازی شده، به آموزش سواد دیجیتال و تنظیم قراردادهای ارتباطی میان زوجین بپردازند. همچنین، سیاست‌گذاران حوزه سلامت اجتماعی باید بسترهایی برای افزایش آگاهی عمومی در مورد آسیب‌های مقایسه اجتماعی و ترویج الگوهای واقع‌گرایانه از زندگی زناشویی در رسانه‌های عمومی فراهم آورند. پژوهشگران آینده نیز می‌توانند با استفاده از روش‌های طولی، تأثیرات بلندمدت این تغییرات الگویی را بر ثبات خانواده‌های ایرانی در دهه‌های آتی بررسی نمایند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۳؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۲۳).

منابع

- حسینی، س. ع.، و همکاران. (۱۴۰۳). تحلیل اکولوژیکی تعارضات زناشویی در بستر دیجیتال. *مجله روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۲(۲)، ۸۹-۱۰۵.
- خرم‌نیا، ر.، و همکاران. (۱۴۰۰). رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و صمیمیت عاطفی زوجین شهر تهران. *پژوهشنامه روان‌شناسی خانواده*، ۷(۱)، ۲۳-۴۰.
- رضایی، پ.، و همکاران. (۱۴۰۲). نقش فضای مجازی در بروز تعارضات زناشویی: مطالعه‌ای در شهر اصفهان. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی*، ۹(۴)، ۱۱۲-۱۳۰.
- زارعی، م.، و همکاران. (۱۴۰۱). اعتیاد به اینترنت و مؤلفه‌های سلامت زناشویی در زوجین جوان. *فصلنامه مطالعات خانواده*، ۱۰(۲)، ۵۵-۷۲.
- قاسمی، ح.، و همکاران. (۱۳۹۹). واکاوی کیفی دلایل طلاق با تمرکز بر پیامدهای استفاده از فضای مجازی. *مجله آسیب‌شناسی اجتماعی*، ۱۵(۱)، ۳۴-۱۵.
- کریمی، ت.، و همکاران. (۱۴۰۳). مقایسه اجتماعی در اینستاگرام و نارضایتی از زندگی زناشویی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، ۱۵(۱)، ۹۰-۱۰۸.
- محمدی، ن.، و همکاران. (۱۴۰۱). چالش‌های حریم خصوصی دیجیتال در خانواده‌های ایرانی. *نشریه مطالعات فرهنگ و رسانه*، ۱۴(۳)، ۲۰۰-۲۲۵.
- نصری، ب.، و همکاران. (۱۳۹۸). نمایشگری در شبکه‌های اجتماعی و انتظارات غیرواقعی در ازدواج. *مجله جامعه‌شناسی خانواده*، ۶(۲)، ۱۲۰-۱۴۵.
- Anderson, T. (2015). *The Digitization of Relationships: Identity and Romance in the 21st Century*. Academic Press.
- Ainsworth, M. D. S. (1978). *Patterns of Attachment*. Erlbaum.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*. Basic Books.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Bronfenbrenner, U. (1979). *The Ecology of Human Development*. Harvard University Press.
- Gottman, J. M. (2001). *The Relationship Cure*. Three Rivers Press.
- Gottman, J. M. (2015). *The Seven Principles for Making Marriage Work*. Harmony.
- Hill, D., et al. (2018). Phubbing and marital satisfaction: The mediating role of perceived partner responsiveness. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(7), 1012-1030.
- Homans, G. C. (1961). *Social Behavior: Its Elementary Forms*. Harcourt, Brace & World.
- Morgan, L., et al. (2019). Social media and infidelity: A qualitative exploration. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 18(2), 150-170.
- Schroeder, A., et al. (2021). The paradox of choice in online dating: Impact on marital commitment. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 24(5), 320-335.
- Tajfel, H. (1978). *Differentiation between Social Groups*. Academic Press.

- Tatar, K., et al. (2017). Facebook use and marital satisfaction among married university students. *Journal of Marital and Family Therapy*, 43(4), 600-615.
- Wang, X., & Johnson, K. (2024). Digital intimacy and the shifting landscape of modern marriage. *International Journal of Psychology*, 59(1), 45-60.
- Woolfolk, S., et al. (2020). Online dating app usage and marital distress. *Journal of Family Psychology*, 34(3), 289-300.